

## وقتی که شهر خفته است



■ برگزیده داستان‌های  
ترسناک قرن بیستم  
■ مترجم: حسین  
یعقوبی  
■ ناشر: مروارید

ژانر ترسناک یا وحشت، از پر فروش‌ترین ژانرهای ادبی است که همچنان نیز در قرن جدید براساس نظرسنجی‌ها در صدر قرار دارد. در انتخاب داستان‌های این مجموعه سعی شده آثاری انتخاب شود که نمونه‌هایی از این گرایش‌های متفاوت به خواننده معرفی شود. به‌طور مثال داستان‌های «شراکت» و «ویلیام و مری» نمونه‌ای از کاربرد گروتسک (طنز تلخ) هستند.

## بوی خوش کوهستان غریب



■ نویسنده: رابرت اولن  
باتلر  
■ مترجم: شروین  
جوانبخت  
■ ناشر: خوب

مجموعه داستان «بوی خوش کوهستان غریب» مهم‌ترین اثر داستانی رابرت اولن باتلر است که جایزه پولیتزر را برایش به ارمغان آورد. راوی و شخصیت‌های اول در هر یک از داستان‌ها، ویتنامی‌هایی هستند که از دلتای مکنونگ به‌سوی مرداب لوئیزیانا مهاجرت کرده‌اند. آنها نقشه آمریکایی‌ها را نقش بر آب کرده و حالا این ویتنامی‌ها هستند که در مرکز میدان واقع شده‌اند، از گذشته دل خوشی ندارند...

## جزیره



■ نویسنده: آلیستر  
مک‌لاود  
■ مترجم: پژمان  
طهرانیان  
■ ناشر: بیدگل

بیست داستان کوتاه حاصل تمام عمر آلیستر مک‌لاود است که بهترین داستان‌های کوتاهش در کتاب «جزیره» و «اولین بهار» منتشر شده. نویسنده‌های بسیاری نیز در ستایش داستان‌های مک‌لاود سخن گفته‌اند، از جمله جی.ام. کوتسی که او را یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان ناشناخته زمانه ما نامید و آلیس مونرو هم او را نویسنده‌ای توصیف کرد که قادر است خواننده را جادو کند.



سردرگمی را نیز با استفاده از فلاش‌فوردهای طراحی شده در جای‌جای فصل‌ها و کدهای لازم را در اختیار خواننده گذاشته تا در فصل‌های پایانی او را در معرض فرجام شخصیت‌ها قرار دهد.

تنوع فرم‌هایی که برای هر داستان انتخاب شده (حتی فرم‌هایی متناسب با زندگی تکنولوژی‌زده، گزارشگرگونه و گاه تحلیل‌گر)، زاویه‌دیدهای مختلف، راویان متفاوت، لحن و زبان راوی هر داستان، نشان از نویسنده‌ای دارد که به داستان و داستان‌نویسی آشناست، مخاطب خود را به‌خوبی می‌شناسد و سعی می‌کند با ترفندهای گوناگون او را غافل گیر کند. استفاده از زاویه‌دید دوم شخص با راوی‌ای مرده که به خود خطاب می‌کند از زیبایی‌هایی است که تا پایان همان داستان خواننده را دنبال خود می‌کشاند که راوی خطاب به چه کسی می‌گوید. در پایان آن قسمت خواننده شگفت‌زده اگر خطاب راوی به خود را بفهمد، ولی مرده بودن راوی را تردید دارد تا در داستانی دیگر متوجه این راوی مرده در آن داستان بشود؛ این است گوشه‌ای از فرایند مهندسی کتابی که ایگان طراحی و اجرا کرده است.

از مهم‌ترین ترفندهای نویسنده، شکستن زمان است. هر داستان تابع پیرنگ ارسطویی و وحدت‌های سه‌گانه نوشته شده، ولی چینش داستان‌ها در کنار هم کتاب را خارج از بوطیقای ارسطویی ساخته است. از همه مهم‌تر شیوه بیانی است که نویسنده در هر داستان انتخاب کرده است. اوج لذت نوآوری را یکی در داستان «ناهار چهل دقیقه‌ای» می‌بینیم که تمام داستان گزارش شخصیت از جلسه مصاحبه او با یک ستاره سینمایی جوان و تحلیل او و پیامدهای این ملاقات است و دیگری در داستان «بزرگ‌ترین مکث راک‌اندرول» که با ساختار زبانی پاورپینت تصویری شده است. گویا این بخش نوع خلاق و نوآور کتاب‌های داستانی تصویری رایج در آمریکا است. زبان تحلیل‌گر زبانی است که در برخی داستان‌ها استفاده شده و ساختار کتاب را به یک ساختار ترکیبی از تحلیل، مقاله، گزارش و داستان تبدیل کرده است.

این گونه است که رئالیسم و واقع‌گرایی توانسته است از قرن‌ها پیش تاکنون پایه‌پای دیگر مکاتب حرکت داشته باشد. به لطف هنر نویسندگانی چون چخوف و داستایفسکی فرارفته از قرن نوزده، همینگوی، هاینزیش بل، سلینجر، کارور و... که ایگان فرزند خلف‌شان است این مکتب توانسته خود را با معیارهای زیبایی‌شناسی و آشنایی‌زدایی روزهای پسامدرنی هماهنگ کرده و هنوز هم مخاطب خویش را شگفت‌زده کند. چنانچه این مقایسه حتی با بزرگان مدرنیستی چون پروست و فاکنر نیز جای اعجاب نخواهد گذارد.



این کتاب یک داستان  
مدرنیستی در دوران  
پسامدرنی جامعه است  
که از بستر رئال داستان  
فراتر رفته و مرزهای  
فرم رایج رئالیستی را  
درنور دیده و ساختاری  
پستمدرنیسم به کلیت  
کتاب بخشیده است

داستان‌های کوتاه آن عنصر دیگری است در خدمت هنرنمایی و زیبایی‌شناسی داستانی نویسنده. هر چند برخی داستان‌ها در حال روایت می‌شوند، ولی در کلیت رمان، زمان روایی گذشته است. انتخاب این گونه زیبایی‌شناسی در زمان که هماهنگ با محتوای رمان است بر ارزش ادبی داستان می‌افزاید. شخصیت‌های داستان‌ها، انسان‌هایی هستند گرچه پرشتاب به‌سوی رویاهای خویش در حرکت‌اند، ولی اگر نتوانند بر مدار مناسبات آفت‌زده مسلط بر جامعه و زبان حاکم بر آن حرکت کنند بازماندگان از زمان و فرورفتگان در گذشته می‌شوند. این است که در تمام داستان‌ها شخصیت‌هایی را می‌بینیم که همزمان در پی فرار از گذشته خویش و آگاهی از گذشته دیگرانند. فلاش‌بک‌ها و فلاش‌فوردهایی که در هر داستان به‌کار رفته هر کدام ناظر بر این مساله هستند. زمان هیولایی واقعی درعین حال ذهنی، گریزنده و بسیار جذاب که انسان مدرن را بر آن داشته هرچه بیشتر تلاش کند آن را در اختیار بگیرد، اما با تمام محاسبات علمی و غیرعلمی می‌داند تاوان دنبال زمان‌دوین تخریب است و برای جانمندان از آن دست به هر فریبی زدن. دست‌های آلوده‌ای که با هر خاطره سنگینی این بی‌اخلاقی را بر ذهن آوار خواهد کرد.

تنها در خلق اثر هنری است که بدون نیاز به شکستن مرزهای اخلاقی هنرمند می‌تواند زمان را هنرمندانه در اختیار بگیرد و بنا به خواسته خود سرعت آن را کند یا تند کند. گاه به آینده برود و زمان را به شکل گذشته درک و ایستا گرداند. جنیفر ایگان با مهارت توانسته زمان روایی را در گذشته نگه دارد. هر چند با فلاش‌فوردها یا داستان‌هایی با زمان مضارع به حال و آینده نیز اشراف داشته باشد.

ساختار داستان کوتاهی این کتاب که در دو بخش کتاب اول و کتاب دوم دسته‌بندی شده است به نویسنده این امکان را داده تا بتواند دایره وسیعی از آدم‌ها و زمان‌های طلایی زندگی شخصیت‌ها را در مقاطع سنی مختلف و بدون ترتیب زمانی به نمایش بگذارد. هر چند این ترتیب زمانی در ساختار کل به شکل نمودار «واو» انتخاب شده است. داستان با ساشا در سن سی‌وچند سالگی شروع و با بنی حدود چهل‌ساله ادامه و سپس به نوجوانی و جوانی و در آستانه پیری آنان ختم می‌شود. ولی مساله به این سادگی نیست. در میان این فصل‌ها، نویسنده هر بار با شگردی پای کسی را به میان می‌آورد و به بیان قصه‌ای عجیب از زمانی طلایی در زندگی او می‌پردازد؛ کسانی که شاید در نظر اول بی‌ارتباط به دو شخصیت محوری کتاب باشند. احساس سردرگمی مخاطب کاملاً حساب‌شده و موردنظر نویسنده بوده است؛ چراکه خود راه غلبه بر این